

آثار و پیامدهای تفکیک جنسی در دانشگاه علامه طباطبائی در مقایسه با دانشگاه‌های دیگر

علی انتظاری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴

چکیده

این مقاله منعکس کننده پیمایش نظرات و ارزیابی‌های دانشجویان در مورد طرح تفکیک جنسی است که بخشی از پژوهشی جامع است که در این مورد انجام شده است. در چارچوب مفهومی و نظری پژوهش با اتکا به نظرات اروینگ گافمن، ساندرایم و دیگران و همچنین نقد آنها تلاش کرده‌ام از موضعی بی‌طرف مسأله تفکیک جنسی را مورد بررسی قرار دهم. جمعیت آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه‌های علامه طباطبائی، تهران و تک جنسیتی بانوان است، که از میان آنان ۱۳۵۰ نفر به صورت تصادفی و سهمیه‌ای بر حسب جنس، مقطع تحصیلی، دانشگاه و دانشکده محل تحصیل انتخاب شده‌اند. نتایج گواه بر آن است که اکثریت دانشجویان دانشگاه‌های علامه و تهران که مهم‌ترین مخاطب اجرای طرح تفکیک جنسی هستند نسبت به آن مقاوم هستند. فقط ۱۳/۷ درصد دانشجویان دانشگاه علامه و حدود ۱۳ درصد دانشجویان دانشگاه تهران نسبت به تفکیک جنسی در دانشگاه نگرش مثبت دارند. این نسبت در دانشگاه تک جنسیتی بانوان به حدود ۳۱ درصد می‌رسد. ۵۷/۴ درصد دانشجویان دانشگاه علامه خواستار توقف اجرای تفکیک جنسی بوده‌اند و ۵۹/۱ درصد دانشجویان دانشگاه تهران مخالف اجرای این طرح در دانشگاه خود هستند

واژه‌گان کلیدی: طرح تفکیک جنسی، نگرش، دانشجو، روابط جنسیتی

طرح مسأله

جنس و جنسیت امری است که در عرصه اجتماعی با نهادها و خرده نظام‌های مختلف جامعه چون خانواده، بازار، آموزش، بهداشت، رسانه و سایر بخش‌های دولتی و غیردولتی در ارتباط و تعامل متقابل قرار دارد. به‌عنوان مثال بنیان شکل‌گیری نظام خانواده از ابتدای خلقت بشر تاکنون به‌ویژه در جوامعی چون ایران که محتوا و شکل دینی و مذهبی خود را حفظ کرده‌اند، پیوند میان دو جنس مخالف است. بنابراین همان‌گونه که جنسیت بر شکل‌گیری و حفظ نهادهای دیگر تأثیرگذار است، عرصه‌های نهادی نیز بر بازتولید اوضاع مساعد یا نامساعد جنسی در جوامع نقش دارند. به عبارتی نظام اجتماعی تا حدود بسیاری به سیاست‌گذاری جنسی وابسته است. سیاست‌گذاری سکولار در این زمینه جامعه‌ای سکولار را به ارمغان خواهد آورد و در مقابل سیاست‌گذاری دینی و مذهبی اهداف مذهبی جامعه را تقویت خواهد کرد.

یکی از مهم‌ترین و مبنایی‌ترین مسائلی که در جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون مورد توجه همگان قرار داشته است و دولت‌ها از طریق نوع نسبتی که با آن برقرار کرده‌اند مورد توجه و اقبال عمومی قرار گرفته‌اند مناسبات میان دو جنس در محیط‌های گوناگون است. مواجهه با جنسیت و مناسبات میان زن و مرد به سبب ماهیت آن و با توجه به برساخت برآمده از رسانه‌های گوناگون داخلی و خارجی به یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. بدیهی است فضای اجتماعی که در دوره قبل از انقلاب اسلامی به‌گونه‌ای شکل گرفته بود که تعارض اساسی با معیارهای مذهبی داشت همگان به‌خصوص دست‌اندرکاران انقلاب اسلامی را بر آن داشت تا اقداماتی جهت نزدیک کردن فضای بیرونی و ظاهری کشور در جهت قرابت با شعارهای دینی و حکومت مذهبی صورت دهند. درعین حال به سبب شکل گرفتن جریان‌های متمایل به غرب و ایجاد سازه‌های ذهنی تحت تأثیر رسانه‌های غربی در میان مردم به‌خصوص اقشار تحصیل کرده و انتقاد از نحوه برخورد نامناسب جهت تحمیل الگوهای مذهبی، موجب شد تا مناسبات میان دو جنس همواره مورد توجه همگان باشد. به همین سبب کاندیداهای

ریاست جمهوری به هنگام انتخابات یکی از محورهایی را که در مورد آن مانور می‌دهند مسئله زنان و مناسبات زنان و مردان در جامعه است.

با توجه به این که مناسبات میان دو جنس به حق یا به ناحق به یکی از شاخص‌های اسلامی شدن تبدیل شده است در فضای دانشگاه نیز اهتمام در جهت اسلامی شدن دانشگاه در قالب سیاست‌گذاری در رابطه میان دو جنس جلوه پیدا کرد. این امر موجب شد تا بعضی بر این اندیشه اصرار داشته باشند که اسلامی شدن دانشگاه جز از طریق اسلامی کردن تعدیل مناسبات میان دو جنس تحقق نخواهد یافت. دانشگاه‌ها در کشور ما از قبل از انقلاب عمدتاً به صورت مختلط اداره می‌شدند. تعداد دانشگاه‌هایی که فقط یک جنس در آن‌ها حضور دارد بسیار اندک بوده‌اند. دانشگاه علامه طباطبائی نیز که پس از انقلاب اسلامی از تجمیع چند موسسه آموزش عالی تأسیس شد به صورت مختلط اداره می‌شد تا این که در اواخر دولت دهم و نه لزوماً بر اساس سیاست‌گذاری این دولت بلکه بر اساس تصمیماتی که در شورای انقلاب فرهنگی اتخاذ شد داوطلبانه اجرای طرح تفکیک جنسی ناقص را آغاز کرد. این طرح حتی پس از تغییر دولت و ریاست دانشگاه در دولت یازدهم همچنان تداوم یافت و بسیاری از کلاس‌های مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به صورت تفکیک شده برگزار می‌شد. دانشگاه صنعتی امیرکبیر هم از جمله دانشگاه‌هایی است که داوطلبانه اجرای این طرح را در زمان دولت دهم آغاز کرد، اما به محض روی کار آمدن دولت یازدهم اجرای این طرح را متوقف نمود.

با توجه به این که هیچ طرحی ولو این که از همه جهات عالی و حساب شده طراحی شده باشد، توفیق نمی‌یابد مگر این که مجریان و مخاطبان اصلی آن در اجرای آن همکاری کنند، پرسشی که مطرح است این است که تجربه اجرای این طرح در دانشگاه علامه طباطبائی چه رهاوردی در نظرات و نگرش‌های آنان داشته است. این مقاله بر اساس یک پژوهش علمی و روشمند در نظر دارد پاسخی برای این پرسش‌ها بیابد که آیا دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی در مقایسه با سایر دانشگاه‌هایی که این طرح را اجرا نکرده‌اند دیدگاه مثبت‌تری نسبت به اجرای طرح دارند؟ آیا دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی معتقدند که این طرح از لوازم اسلامی شدن دانشگاه است؟ آیا خواستار تداوم یا

توقف این طرح هستند. دیدگاه آنان در مقایسه با دانشجویان سایر دانشگاه از چه وضعیتی برخوردار است؟

پیشینه تجربی و نظری

جستجوهای محقق نشان می‌دهد که در مورد «بررسی و مقایسه تطبیقی آثار و پیامدهای تفکیک جنسی در دانشگاه‌های ایران»، کاری با محوریت خاص موضوع صورت نپذیرفته؛ مع‌الوصف در این قسمت به برخی پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون تفکیک جنسی و مناسبات و روابط و یا پیوندهای میان دانشجویان دختر و پسر که به صورت غیرمستقیم با موضوع موردبررسی مربوطند اشاره می‌شود. این اشاره در دو بخش جداگانه شامل پژوهش‌های انجام‌شده در ایران و پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از کشور صورت می‌گیرد و سعی شده است به جدیدترین پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه مراجعه شود. در بررسی هر پژوهش ابتدا توصیف کلی از اهداف پژوهش ار

ائه‌شده و سپس نتایج و نکات مورد استفاده در این پژوهش، بیان شده‌اند. محقق در بخش پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور، به سراغ پژوهش‌هایی رفت که نخست درباره موضوع تفکیک جنسی باشند. دوم، مطالعاتی در نظر گرفته شد که درباره شرایط تحصیل و علم‌آموزی در دانشگاه‌های مختلط و یا تک‌جنسی باشند.

- سوسن باستانی در نیمه دوم دهه هفتاد در پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشدش به بررسی «نگرش استادان و دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) نسبت به تک‌جنسی بودن دانشگاه» (۱۳۷۶-۱۳۷۷) پرداخته است. وی در پی بررسی نگرش استادان و دانشجویان درباره تدریس و تحصیل در دانشگاه الزهرا (س) بوده است. روش پژوهش پیمایشی بوده و برای گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که اکثر استادان و دانشجویان نسبت به تدریس و تحصیل در این دانشگاه نگرش متوسطی دارند؛ نگرش استادان با اختلاف کمی، از دانشجویان مثبت‌تر است (۵۵/۸۲ درصد دانشجویان و ۶۰/۹۵ درصد استادان). تنها ۳۸ درصد از دانشجویان و ۲۱ درصد از استادان، تحصیل و تدریس در دانشگاه الزهرا (س) را بر دانشگاه مختلط ترجیح می‌دادند. ۷۵/۲۵

درصد از دانشجویان و ۴۰ درصد از استادان معتقدند که امکان پیشرفت تحصیلی در دانشگاه‌های مختلط بیشتر فراهم است. ۵۴ درصد از دانشجویان و ۳۳ درصد از استادان معتقدند که دانشگاه الزهرا (س) نسبت به دانشگاه‌های مختلط از نظر سطح علمی ضعیف‌تر است. ۳۳/۴ درصد دانشجویان و ۲۸ درصد از استادان می‌گفتند هم‌کلاس بودن دختران و پسران در محیط دانشگاه موجب افزایش رشد اجتماعی هر دو جنس می‌شود و در آخر، ۴۱ درصد از دانشجویان و ۳۲ درصد از استادان معتقد بودند که دانشگاه مختلط، اعتمادبه‌نفس و اجتماعی شدن را در کنار درس به دختران هدیه می‌دهد (باستانی، ۱۳۷۷).

- عبدالله اسدی در پژوهشی به «بررسی روابط دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه‌های شهر اردبیل در سال ۱۳۸۵» پرداخته است. وی در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است نشان داده است که دانشجویان نگرش مثبت نسبت به ارتباط دختر و پسر از منظر اسلام داشته‌اند. اکثر (۸۲/۶) دانشجویان مخالف عدم ارتباط بین دختر و پسر بودند و هر چه از سنوات تحصیلی آن‌ها می‌گذرد نگرش ارتباطی آن‌ها قوی‌تر می‌شود (اسدی، ۱۳۸۵).

- «بررسی اثربخشی آموزش روابط سالم بر پیشرفت تحصیلی و تغییر نگرش نسبت به روابط دختر و پسر (دانش آموزان دختر دوره راهنمایی شهر اصفهان)» عنوان پژوهش عبدلی (۱۳۹۰)، است. محقق با اذعان به این که درباره نسلی (جوان و نوجوان) صحبت می‌کند که به سن بلوغ رسیده و گزینه جنسی‌اش رو به بیداری است، از مهم‌ترین نشانه‌های بلوغ را علاقه‌مندی به جنس مخالف معرفی می‌کند که تجلی آن به صورت عاشق‌پیشه شدن و ابراز احساسات در برابر جنس مخالف است. به باور محقق، یکی از وظایف مهم تعلیم و تربیت این است که در زمینه‌هایی چون دوستی دختران و پسران، برخوردهای اجتماعی آنان، عشق و امثال آن توصیف و تصویر روشنی را برای آنان مشخص کند. هدف از انجام این پژوهش، این بود که دانش آموزان نگرش منطقی نسبت به جنس مخالف کسب کنند و تفاوت‌های دو جنس را بشناسند و نگرش درستی از روابط دختر و پسر به دست آورند. هم‌چنین با مفهوم عشق در این دوره آشنا شوند و از عشق‌های افراطی بپرهیزند. به عبارتی سؤال پژوهش این بود که آیا آموزش روابط سالم باعث تغییر نگرش دختران به روابط دختر و پسر می‌شود؟ آیا آموزش روابط سالم بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است؟ محقق

از نظریات حوزه روانشناسی چون نظریه مثلث عشق اشترنبرگ، نظریه دل‌بستگی و نظریه معطوف به نیاز و نظریه جامعه‌شناختی نوسازی استفاده کرده است. روش مورد استفاده روش آزمایشگاهی بوده که با طرح آزمایشی شامل دو گروه پس‌آزمون و پیش‌آزمون اجرا شده است. جمعیت آماری پژوهش، کلیه دانش‌آموزان مقطع راهنمایی دولتی ناحیه ۵ شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ بوده است. نمونه پژوهش شامل ۳۰ دانش‌آموز از میان دو مدرسه راهنمایی است که از هر مدرسه یک کلاس و از هر کلاس ۱۵ نفر انتخاب شدند. نتایج نشان داد که آموزش روابط سالم بر تغییر نگرش روابط دختر و پسر مؤثر بوده و رابطه معناداری بین دو متغیر مشاهده شده است و هم‌چنین باعث تغییر نگرش نسبت به خود و نسبت به جنس مخالف می‌شود.

«بررسی تمایز یافتگی خود و کیفیت رابطه با غیر هم‌جنس در دانشجویان مجرد» عنوان پژوهشی است که توسط رباب حامدی و همکاران انجام شده است که نتیجه آن در زمستان ۹۱ در فصلنامه مطالعات روان‌شناختی منتشر شده است. در این پژوهش میزان تمایز یافتگی خود در روابط آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا با جنس مخالف در میان دانشجویان مجرد در دانشگاه‌های تهران و علوم پزشکی تهران مورد بررسی قرار گرفته است. محققان در این پژوهش از پرسشنامه اسکورن و فریدلندر برای سنجش تمایز یافتگی و از پرسشنامه مبتنی بر طرح‌واره‌های ناکارآمد جفری یانگ به منظور سنجش کیفیت ارتباط با غیر هم‌جنس بهره گرفته‌اند. روش پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای بوده است. اهم نتایج این پژوهش بر آن است که میان دختران و پسران از نظر شدت مشکلات ارتباط با جنس مخالف تفاوت معناداری دیده نشد. هم‌چنین در میزان تمایز یافتگی، واکنش هیجانی، بریدگی عاطفی و آمیختگی چهار گروه بر حسب میزان مشکلات ارتباطی تفاوت معنادار مشاهده شده است (حامدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۷-۷۱).

این پژوهش‌ها نمونه‌هایی هستند که مطالعه پیش رو از آن‌ها نیز بهره‌مند شده است؛ چرا که در این مطالعه محقق در پی آن است که مناسبات میان دختران و پسران دانشجویان را بررسی نماید. این مناسبات می‌تواند شامل روابط دوستی بین دختران و پسران باشد و یا این که به پیوند رسمی و دائمی آن‌ها یعنی به ازدواج یا نکاح ختم شود. مطالعه‌ای که فریده

فراهانی خلج آبادی و دیگران (۱۳۹۲) انجام داده‌اند بیانگر این مسئله است که پیوندهای میان دانشجویان دختر و پسر قبل از ازدواج، پیامدی جز بالا رفتن سن ازدواج را نداشته است؛ هم‌اکنون نیز شاهد افزایش سن ازدواج در ساختار جمعیتی جامعه‌مان هستیم. فراهانی و همکارانش نتایج فاز اول مطالعه مقطعی و توصیفی - تحلیلی که با هدف بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر ازدواج در بین جوانان با تحصیلات دانشگاهی در تهران در سال ۱۳۹۰ انجام شده بود را در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران» منتشر کرده‌اند. در این مطالعه ۲۰۳۱ دانشجوی ۱۸ تا ۴۰ ساله از ۷ دانشگاه دولتی و آزاد در تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و سهمیه‌ای دو مرحله‌ای مورد مطالعه واقع شدند. میانگین سنی دانشجویان ۲۲/۵ سال بوده و ۱۲ درصد دانشجویان متأهل و با میانگین سنی ازدواج ۲۷ سال بوده‌اند. محققان با بررسی تأثیر معاشرت بر سن ازدواج در بین دانشجویان متأهل و تأثیر معاشرت‌ها بر تمایل به ازدواج در بین دانشجویان مجرد به این نتیجه رسیدند که با کنترل نمودن جنس، وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده؛ تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج یکی از عوامل تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان است. به طوری که تجربه معاشرت پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج، حدود دو سال ازدواج را با تأخیر همراه می‌سازد. هم‌چنین تفاوت واضحی بین دو جنس، در ارتباط با معاشرت‌های دوستی و پیشرفته قبل از ازدواج، با تمایل به ازدواج نشان داده شده؛ به طوری که معاشرت دوستی و پیشرفته در دختران با تمایل بیشتر به ازدواج رابطه معنادار داشته، در حالی که در پسران معاشرت پیشرفته با تمایل کمتر به ازدواج رابطه معنادار داشت و رابطه دوستی هیچ رابطه‌ای با تمایل به ازدواج در پسران نداشت. آن‌ها در آخر عنوان نموده‌اند که تغییرات در روند معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان و انواع جدید شریک‌گزینی، باید بیش‌ازپیش در بررسی تغییرات سن ازدواج و تحولات خانواده در نظر گرفته‌شده و کارکردهای متفاوت این معاشرت‌ها در ازدواج بررسی شوند.

با مروری بر پژوهش‌های داخلی مشخص می‌شود که مسئله تفکیک جنسی در ایران غالباً در وجهی نگرشی و با نظر به روابط دو جنس در چارچوبی اخلاقی صورت پذیرفته

است. با نظر به برداشت‌های متفاوت از رویکرد اسلامی در مورد تفکیک جنسی، در این پژوهش‌ها تلاش شده است از یک‌سو، نگرش جمعیت هدف طرح تفکیک بررسی شود و از دیگر سو، به آسیب‌های تفکیک شدن یا نشدن پرداخته شود. رویکردهای مختلف ایدئولوژیک در این زمینه تلاش داشته‌اند با استناد به مصاحبه با کارشناسان، دانشجویان و... به این پرسش‌ها پاسخ دهند که اولاً آیا اجرای این طرح توجیه علمی دارد یا خیر و دوم این که نسبت به اجرای این طرح چه نگرش‌هایی وجود دارند. در مجموع می‌توان ادعا کرد با نظر به حجم نمونه و الگوی پژوهش‌های صورت گرفته، داده‌های جامع و مشخصی در مورد نگرش‌ها و پیامدهای اجرای این طرح وجود ندارد. پژوهش‌های گذشته در این زمینه اگرچه راهگشای پژوهش حاضر بوده‌اند، اما نمی‌توان بر اساس آن‌ها در زمینه موضوع موردنظر سیاست‌گذاری نمود. همان‌گونه که پیش‌تر نیز متذکر شدم برای سیاست‌گذاری در زمینه مناسبات دو جنس با توجه به اهمیتی که این موضوع هم در دین مبین اسلام دارد و هم نظام دانشگاهی ما به آن وابسته است ضرورت دارد پژوهش‌های متعددی صورت پذیرد.

نظام آموزش اولیه در غرب بر مبنای تفکیک جنسی صورت گرفته بود و محتوای آموزش نیز بر همین اساس در محیط‌های مجزایی تعیین می‌شد. این محتوای تفکیک‌شده بر مبنای وظایفی بود که جامعه غربی برای زنان و مردان تعریف می‌کرد و در نسبت با محیط خانه برای زنان و محیط کار و اجتماع برای مردان توزیع می‌شد. در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد میلادی پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفت تا نیازهای دانش‌آموزان و دانشجویان را در محیط آموزشی ارزیابی کند این پژوهش‌ها منجر به چرخش استراتژیک در سیاست‌های آموزشی مبتنی بر جنسیت شد و نظام آموزشی غرب را به شدت تحت تأثیر قرار داد^۱. بر این اساس کلاس‌های درس از حالت تفکیک خارج شده و الگوی تعامل آموزشی بین دو جنس مبنای شکل دادن به محیط آموزش شد. در اواخر دهه ۷۰ علاقه به آموزش تک‌جنسی با توجه به تغییرات حاصل شده و مطالبات اقشاری از جامعه دوباره مدنظر قرار گرفت. پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه کماکان از یادگیری و

۱- درعین حال توجه به این نکته ضروری است که مختلط کردن مدارس در کشورهای غربی صرفاً محصول نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نیست بلکه همچنین تحت تأثیر سیاست‌های فرهنگی نظام سرمایه‌داری قرار دارد. درعین حال در مورد نوع پژوهش‌ها و رویکردهای نظری که این پژوهش بر اساس آن‌ها صورت گرفته است تأملاتی وجود دارد که در این مقاله نمی‌گنجد.

آموزش به دور از تفکیک جنسی حمایت می‌کرد و منتقدان به بررسی اعتبار و پایایی این پژوهش‌ها پرداختند (Alon & Gelbsiger 2011). منتقدان یافته‌هایی داشتند که نشان می‌داد در کلاس‌ها و محیط‌های مختلط سوگیری‌های جنسی و تبعیض بالاتری وجود دارد. این پژوهش‌ها نشان می‌داد که در محیط‌های مختلط دختران در صحبت کردن و ابراز وجود دچار مشکل هستند و پسران توجه بیشتری از جانب مدرسان به خود جلب می‌کنند (Charles & Bradley 2002). جنکیز^۱ (2006) نشان داد که در کلاس‌های مختلط اعتمادبه‌نفس بیشتری به پسران داده می‌شود تا دختران. انجمن زنان دانشگاهی آمریکا^۲ (AAUW) برخی یافته‌ها را گزارش کرد که بر اساس آن‌ها معمولاً دختران به بالا رفتن در دوره‌های آموزش مانند ریاضیات و علوم تجربی تشویق نمی‌شوند.

در پاسخ به این نگرانی‌ها، محققان شروع به تجربه کلاس‌ها و محیط‌های آموزشی تک‌جنسی کردند که دختران و پسران در کلاس‌های مجزا آموزش می‌دیدند. پژوهش‌ها نشان داد که برخی از افراد در کلاس‌های تک‌جنسی بهتر از کلاس‌های مختلط یاد می‌گیرند. بدین ترتیب یک گزینه به انتخاب‌های افراد اضافه شد که می‌خواهند در کلاس‌های تک‌جنسی آموزش ببینند یا در کلاس‌های مختلط. در محیط‌های آموزشی مسئله ادراک فرد از خویشتن که ذیل عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس فهم می‌شود اثری چشم‌گیر بر آموزش دارد. مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که ادراک زنان از خویشتن در مقایسه با مردان در سطح پایین‌تری قرار دارد (Charles & Bradley, 2002). فضاهای تک‌جنسی از نظر برخی از محققان ادراک زنان از خودشان را بالاتر می‌برد و این امکان را به آن‌ها می‌دهد که اعتماد به نفس بیشتری داشته باشند و نقش رهبری در گروه را بر عهده گیرند (Mann and DiPrete, 2012). از دیگر سو برخی پژوهش‌ها که در ادبیات فمینیستی جای می‌گیرند نشان می‌دهد که تفکیک جنسی شاید بتواند ادراک برخی از زنان از خویشتن را در محیط‌های زنانه بالا ببرد، اما جایگاه زنان در مواجهه مردان را کماکان در سطح پایین‌تر نگه می‌دارد و امکان تعاملات بین جنسیت‌ها را از میان برده و مانع شکل‌گیری عزت‌نفس اجتماعی زنان در درون جامعه می‌شود. ادبیات پژوهشی در این

1. Jenkins

2. The American Association of University Women (AAUW)

مورد گستردگی بالایی دارد. بعضی پژوهش‌ها از کارایی آموزش کلاس‌های دوجنسی حمایت می‌کنند. برخی دیگر از تک‌جنسی حمایت می‌کنند و بعضی پژوهش‌ها هیچ تفاوت معنی‌داری را گزارش نکرده‌اند. به نظر می‌رسد با تجدیدنظر در مبانی نظری این پژوهش‌ها و انجام فرا تحلیل‌های لازم می‌توان آن‌ها را به‌گونه‌ای جمع‌بندی کرد که یافته‌های متناقض کمتری در آن مشاهده شود.

برخی پژوهش‌ها نشان داد که سیاست‌های تفکیک جنسی تا چه حد تلاش دارند توازنی بین مردان و زنان در دانشگاه‌ها برقرار کنند و همین امر یک نابرابری جنسی و توزیع ناعادلانه فرصت‌ها را در بر خواهد داشت (Mann and DiPrete, 2012). ساکس^۱ (2007) نشان داد که برخلاف بسیاری از پژوهش‌های دیگر، محیط‌های تک‌جنسی لزوماً به پیشرفت تحصیلی دختران نمی‌انجامد و در مقابل پسران در محیط‌های تک‌جنسی بهره بیشتری می‌برند. ساکس از محیط‌های تک‌جنسی حمایت می‌کند به شرط آن‌که مدرسان، راهبردهای متفاوتی مبنی بر الگوهای یادگیری دختران و پسران به کارگیرند. الگوهای منتقد تفکیک جنسی شواهد دیگری عرضه می‌کنند. آن‌ها نشان می‌دهند که در سال‌های اخیر در جهان صنعتی شاهد رشد هر چه بیشتر تحصیلات دانشگاهی زنان هستیم. در کشورهایمانند ایران، ژاپن، آلمان، کره، سوئد و ترکیه مطابق داده‌های یونسکو تعداد زنان در حال تحصیل دانشگاهی از مردان پیشی گرفته است. سیاست‌های تفکیک جنسی درصدد کاهش رشد فزاینده دختران تحصیل کرده و فراهم کردن فرصتی برای مردان در حوزه آموزش عالی هستند. از دیگر سو درحالی‌که نرخ زنان تحصیل کرده بالا می‌رود، محیط‌های کاری همچنان مردسالارند و نرخ اشتغال و درآمد زنان نسبت به مردان در سطح پایین تری قرار دارد. برخی معتقدند دغدغه تفکیک جنسی در محیط‌های آموزشی بیش از آنکه دغدغه‌ای برای بالا بردن کیفیت آموزشی و ارتقاء سطح زنان باشد محصول ایدئولوژی جنسی است که خود را در پشت داده‌ها و گزارش‌های آماری پنهان می‌کند. داده‌هایی که به همان اندازه که در تأیید آن‌ها می‌توان استدلال کرد در نقد و بررسی اعتبار آن‌ها نیز می‌توان نقد داشت. درعین حال فراهم کردن محیطی برای این که زنان در حوزه آموزش

1. Sax

عالی پیشی گیرند خود نیز برخاسته از ایدئولوژی دیگری است که امروزه به انواع گرایش‌های نظری فمینیستی مشهور است. جیکوب^۱ (1996) نشان می‌دهند که تفکیک جنسی اجباری در محیط‌های آموزشی نمودی است از تبعیض پنهان که مانع دسترسی زنان به موقعیت‌های مطلوب است. چنین تکنیکی با فاصله‌اندازی بین دو جنس کماکان الگوی ابژگی را برای زنان حفظ می‌کند و با منع کردن آن‌ها از ورود به فضاهای آزاد، مانعی برای رشد فرهنگی-اجتماعی به بار می‌آورد.

هارتمان پیشنهاد می‌کند که تأکید بر تفکیک جنسی در نهادهای صنعتی و علمی محصول یک نوع نگاه خاص به زنان است که آن‌ها را تنها به صورت موجوداتی تک‌بعدی می‌بیند که تابعی است از ساخت قدرت مردسالار حاکم بر جامعه (Hartmann, 1987). این نوع نگاه؛ مبلغان زیادی دارد که با تأکید بر ایزوله کردن و جدا کردن جنسیت‌ها به این نگرش‌ها دامن می‌زنند و زن را تنها به عنوان موجودی که می‌تواند محرک اروتیک و مزاحم باشد جدا می‌سازند. اگرچه زن و مرد را به عنوان موجوداتی تک‌وجهی بازنمایی می‌کند. الگوهای مبتنی بر تفکیک و جداسازی جنسی اگرچه تلاش دارد عمل خود را به صورت علمی توجیه کند، اما محصول هنجارها و ایدئولوژی‌های جنسی هستند که عمیقاً ریشه در بنیادهای فرهنگی و ساختاری مدافعاتش دارد. وارتون و بارون در پژوهشی پیرامون تفکیک جنسیتی در محیط کار بر روی نمونه‌ای از مردان شاغل در پیمایشی گسترده نشان دادند که رضایت شغلی و عزت‌نفس مردان در محیط‌های مختلط نسبت به محیط‌های تفکیک نشده کاری کمتر است (Wharton & Baron, 1987).

اکلوند و دیگران در پژوهشی گسترده روی نمونه‌ای ۲۰۰۰ نفره و پنجاه مصاحبه عمیق دریافتند که الگوی تفکیک جنسیتی در رشته‌هایی چون فیزیک و بیولوژی، بین دانشمندان به صورت ناخودآگاه تفکیکی جنسیتی صورت می‌دهند. رشته‌هایی چون پرستاری بار زنانه پیدا می‌کنند و فیزیک بار مردانه (Ecklund et al, 2012).

متأسفانه مطالعاتی که در غرب صورت گرفته است بعضاً متأثر از فضای ایدئولوژیک فمینیستی است. این فضای ایدئولوژیک اجازه نداده است پژوهش‌های منصفانه‌ای در این

زمینه صورت پذیرد. آنچه با عنوان عدالت جنسیتی مطرح می‌شود لزوماً عادلانه نیست. صرف‌نظر از حق و باطل بودن، می‌توان گفت که این امر حداقل به شرایط اجتماعی و فرهنگی جوامع بستگی دارد. در جامعه‌ای که مسئولیت امرارمعاش عمدتاً بر دوش مردان است، معلوم نیست موقعیتی که در آن زنان نزدیک به ۷۰ درصد دانشجویان در حوزه علوم انسانی را تشکیل دهند؛ وضعیتی عادلانه باشد. ضمن این که باید در فراهم کردن فرصت‌های برابر به وضعیت شرکت‌کنندگان در کنکور و آنچه بر آنان در نظام آموزش متوسطه و پیش از آن گذشته است، توجه نمود. نتایج این پژوهش‌ها همان‌طور که ذکرشان رفت، اگرچه دارای پراکندگی قابل‌توجهی است و طیف وسیعی از مدافعان تفکیک تا مخالفان، داده‌ها و شواهدی در دفاع تا مخالفت با این طرح را ارائه می‌کنند، اما نقطه مشترک همه این پژوهش‌ها این است که حضور در دانشگاه با کلاس تفکیک‌شده را به‌عنوان یک انتخاب برای دانشجویان یا دانش‌آموزان مدنظر دارند و تفکیک اجباری محیط‌های آموزشی در این پژوهش‌ها مدنظر نبوده است. در مجموع نتایج تجربی حاصل از کلاس‌ها و محیط‌های تفکیک‌شده به‌عنوان یک انتخاب برای مشغولان به تحصیل، حکایت از توفیق نسبی این طرح در دانشگاه‌های غرب دارد. از دیگر سو منتقدان این طرح بیان می‌دارند که عدم حضور در محیط‌های مختلط مانعی برای رشد روانی/عاطفی/جنسی دانش‌آموزان و دانشجویان است.

چارچوب مفهومی

از نظر گافمن مناسبات مردان و زنان در جامعه دچار عدم تقارن است و مواجهه مردان با زنان همانند مردان فرودست و جوان‌تر و کودکان است. گافمن جنسیت شامل زن بودگی و مرد بودگی را کاملاً برساختی می‌داند و معتقد است منشأ بیولوژیک ندارد (Goffman 1976). جودیت باتلر نیز در چارچوب نظریه نمایشی گافمن بر اجرای جنسیت در صحنه اجتماعی همانند صحنه تئاتر تأکید دارد. جان کلام باتلر آن است که ما مرد یا زن (مذکر یا مؤنث) متولد نمی‌شویم، همچنین ما یاد نمی‌گیریم که مرد یا زن بشویم، بلکه مردانگی و زنانگی را در جامعه اجرا می‌کنیم. از نظر وی جنسیت محصول برساختی گفتمان است و بر

ابدان زنان و مردان حک می‌شود (سیدمن ۱۳۸۶). در این پارادایم فوکو نیز در تاریخ سکسوالیته خویش به‌خصوص بدن زنانه را آماج استراتژی‌ها، الگوهای عمل قدرت و مدیریت روان‌شناختی و پزشکی معرفی می‌کند. فوکو بر آن است که جنسیت ابژه‌ای است برای میل‌ورزی در چارچوب امر گفتمانی (Foucault, 1979). ساندرابم نیز همانند گافمن و با استفاده از مفاهیم طرح‌واره جنسی و عدسی جنسی برساختی بودن جنسیت را مورد تأکید قرار می‌دهد. ناومی ولف نیز در چارچوب نظریات ابژگی جنسی بر این امر تأکید دارد که مردان از طریق رسانه‌ها و سایر ابزارهای اجتماعی کننده علائق جنسی خود را بر بدن زنان تحمیل می‌کنند و جسم آنان را منقاد شهوات جنسی خود می‌کنند (Bem, 1993). فدرستون نیز جنسیت و هویت‌های جنسیتی را در چارچوب مصرف بازاری و به‌منظور تضمین عضویت در گروه‌های اجتماعی در قالب التزام به مدهای اجتماعی معرفی می‌کند (Featherston, 1991: 28).

به نظر می‌رسد جامعه‌شناسان غربی اکثراً در امر تحلیل جامعه‌شناختی دچار نوعی جو زدگی شده‌اند که به‌موجب آن هر چه به‌سمع و نظرشان رسیده است به امر اجتماعی تأویل نموده‌اند. اگرچه بسیاری از نابرابری‌ها میان زنان و مردان در جامعه منشأ اجتماعی و ساختارهای مردسالارانه دارد، اما پذیرش این امر با امکان تفاوت‌های بیولوژیک که واضح و برجسته است و همچنین تفاوت‌های روان‌شناختی که بعضاً در برخی پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است مغایرت ندارد. اصرار بر اجتماعی بودن همه ساحت‌های رفتاری انسان موجب شده است تا گافمن همانند بسیاری دیگر دچار این اشتباه شود؛ پرسش همیشگی حقیر از این بزرگان این است که آیا یادگیری را هم ما یاد می‌گیریم یا این که انسان موجودی فطرتاً یادگیرنده است؟ درعین حال یکی از مفاهیم جالب‌توجه که توسط ساندرابم مورد استفاده قرار گرفته است مفهوم قطبی‌سازی جنسی است؛ مفهومی که بر تقابل برساختی جنسیتی در جامعه دلالت دارد. به نظر می‌رسد این مفهوم بتواند در تبیین دوگانگی‌های جنسیتی که همواره منشأ ابژگی جنسیتی نیز هست کمک کند. همچنین مفاهیم دیگر بم نظیر هویت و کلیشه‌های جنسیتی، خوشه‌های جنسیتی و نقش‌های جنسیتی می‌توانند در تبیین هر چه بهتر توجه و تأکید بر جنسیت در مناسبات اجتماعی یاری‌رسان باشند. ساندرابم با وجود تأکید بر وجوه اجتماعی جنسیت که مورد توجه ما نیز

هست، بُعد طبیعی آن را نادیده نمی‌گیرد. در واقع تأکید بر ابعاد اجتماعی جنسیت بیشتر برای جلب توجه به آن است و گرنه این که تفاوت‌های جنسیتی پایه‌های طبیعی و بیولوژیک نیز دارند قابل انکار نیست.

نظرات ناومی ولف در مورد انقیاد ابدان زنان در پرتو شهوات جنسی مردانه به‌خصوص در جهان رسانه‌ای غرب بخشی از ناهنجاری‌های جنسی را توضیح می‌دهد (Wolf, 2013) اما این امر که زنان نیز با توسل به حربه‌های زنانه مردان را در سلطه متقابل خود قرار می‌دهند مورد اغماض وی قرار گرفته است. در واقع فقط این مردان نیستند که استانداردهای زیبایی خود را بر زنان تحمیل می‌کنند بلکه زنان نیز به‌نوبه خود از طریق وقوف به نقاط ضعف جنسی مردان می‌توانند به انحاء گوناگون با توسل به دلربایی و فریبندگی جنسی، مردان را منقاد تمنیات خود کنند. به این ترتیب می‌توان اظهار داشت که فریبندگی در زنان بیش از مردان ظاهر می‌شود.

در این مقاله به دنبال آزمون گزاره‌های نظری مشخصی نیستیم، اما از نظریه‌ها و پژوهش‌های پیشین در این زمینه در قالب ساخت ابزار سنجش و همچنین شناخت شاخص‌ها و سطوح درگیری با جنس مخالف بهره برده‌ام. بدین معنا که برخی شاخص‌ها و مفاهیم موجود در نظریه‌ها و پژوهش‌های یادشده در بخش پیشین را در نظر دارم. پس کاربست نظری مضامین مطرح در بخش قبل به‌طور خلاصه با در نظر گرفتن مفاهیم، شاخص‌ها و متغیرهایی است که در پژوهش‌ها و یا مضامین نظری مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا بتوان درکی از زمینه‌ها و نتایج تفکیک جنسی در ایران به دست آورد.

بر اساس مباحث نظری پیش‌گفته در مجموع پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

طرح تفکیک جنسی تا چه اندازه به اهداف خود نزدیک شده است؟

منظور این است که آیا طرح تفکیک جنسی موفق بوده است و به اهداف خود

به‌صورت نسبی دست‌یافته است؟ با توجه به این پرسش، دو پرسش زیر مطرح می‌شود:

نگرش دانشجویان نسبت به اجرای طرح تفکیک جنسی چیست؟

درواقع در این پرسش بر آنیم تا بفهمیم دانشجویان چه دیدگاهی نسبت به آثار و

پیامدهای تفکیک جنسی در دانشگاه دارند. آیا این طرح موجب کاهش مسائل اخلاقی و

مشکلات هنجاری در میان دانشجویان شده است؟ با توجه به این که دانشجویان مخاطبان و مجریان اصلی تفکیک جنسی هستند پرسش این است که دانشجویان چه دیدگاهی در مورد اجرای این طرح دارند و در این مدت که اجرا شده است تا چه اندازه با آن همراه شده‌اند؟

نظر دانشجویان نسبت به توقف، تداوم اجرا یا اجرای طرح تفکیک جنسی در دانشگاه چیست؟

با توجه به جمعیت آماری در دانشگاه‌های گوناگون که فاقد یا داری تجربه تفکیک جنسی کامل یا ناقص در دانشگاه خود هستند این پرسش مطرح است که نظر دانشجویان در مورد توقف این طرح در دانشگاهی که تاکنون آن را به صورت ناقص یا کامل اجرا کرده است چیست و یا نظر دانشجویان در مورد اجرای این طرح در دانشگاهی که تاکنون این طرح در آن اجرا نشده است، چیست؟

نظرات و نگرش‌های دانشجویان در سه دانشگاه در ارزیابی طرح تفکیک جنسی چه تفاوتی با هم دارد؟

روش پژوهش

با توجه به کاربردی بودن پژوهش حاضر و ضرورت مقایسه داده‌ها میان دانشگاه‌هایی که تجربه تفکیک جنسی داشته و نداشته‌اند از روش پیمایش در این رابطه استفاده شده است. البته در تحقیق اصلی که این مقاله بر آن اتکا دارد تحقیق بر اساس ترکیبی از رویکردهای کمی و کیفی صورت گرفته است تا بهتر بتوان توفیق طرح تفکیک جنسی در دانشگاه‌ها را ارزیابی نمود اما یافته‌های منعکس شده در این مقاله صرفاً بر اساس روش پژوهشی پیمایشی استوار است. در این روش تلاش شده است با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، نظرات دانشجویان در مورد متغیرهای مورد نظر که در ادامه تعریف خواهند شد جمع‌آوری شود. با توجه به این که پرسشنامه استاندارد برای سنجش نگرش نسبت به تفکیک جنسی وجود نداشت، پرسشنامه جدیدی در این رابطه تهیه شد. در این پرسشنامه نظرات در ابعاد گوناگون طرح تفکیک جنسی در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. اگرچه جمع این نظرات را نگرش نهاده‌ایم اما به نظر می‌رسد نظرات در مورد آثار و پیامدهای طرح

تفکیک جنسی برای آن مناسب‌تر باشد. برای تدوین مؤلفه‌های این پرسشنامه پس از اجرای بخش کیفی که پیش‌تر در مورد آن صحبت شد، از میان گزاره‌های ارائه‌شده از سوی مراجع دینی، مسئولان، استادان، دانشجویان و متصدیان دانشگاه‌ها، با نظر مشاوران و استادان مؤلفه‌های مناسبی تهیه گردید. البته در کنار پرسش در مورد متغیرها و مفاهیم اصلی پژوهش، اطلاعات جمعیت‌شناختی و اجتماعی اقتصادی دانشجویان نیز مورد پرسش قرار گرفت.

جمعیت آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه‌های تهران هستند که با توجه به چارچوب مفهومی پژوهش به صورت عمدی از میان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران انتخاب شدند؛ به این ترتیب که دانشگاه علامه طباطبائی به عنوان دانشگاهی که طرح تفکیک جنسی ناقص در آن اجرا و تا زمان اجرای پژوهش تداوم یافته است؛ دانشگاه تهران به عنوان دانشگاهی که هیچ‌گاه طرح تفکیک جنسی در آن اجرا نشده است و یک دانشگاه تک جنسیتی بانوان^۱ که از ابتدای تأسیس صرفاً به زنان اختصاص داشته است که مشمول تفکیک جنسی کامل می‌شود. در دانشگاه‌های منتخب ۱۳۵۰ نفر از دانشجویان با استفاده از فرمول کوکران به صورت تصادفی و سهمیه‌ای برحسب جنس، مقطع تحصیلی، دانشگاه و دانشکده محل تحصیل انتخاب شده‌اند. پس از گردآوری پرسشنامه‌ها و کنترل و بازبینی پاسخ‌ها، اطلاعات از پرسشنامه استخراج و بر مبنای کدهای از پیش تعیین‌شده در برگه‌های کدگذاری درج شده و آن‌گاه کلیه داده‌ها در محیط SPSS وارد شد تا محاسبات آماری لازم انجام گیرد. در این مطالعه از تحلیل واریانس و آزمون T برای مقایسه میانگین‌ها بهره گرفته شده است.

با توجه به این که اطلاعات موردنیاز از فرد جمع‌آوری می‌شود، واحد مشاهده، یا واحد نمونه‌ای^۲ افراد نمونه‌ای هستند که برحسب روش نمونه‌گیری انتخاب می‌شوند. واحد تحلیل در این پژوهش فرد است و شامل هر فرد پاسخگویی است که ویژگی‌های مطرح‌شده در جمعیت آماری را داشته باشد.

۱- نام دانشگاه به سبب درخواست دانشگاه مربوطه ذکر نشده است.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم و متغیرهای پژوهش

نگرش به تفکیک جنسی

تعریف مفهومی: نگرش ایستاری است که مقدمه کنش اجتماعی است. مردم نسبت به موضوعات و جریان‌ها در جامعه نگرش‌های گوناگونی دارند. نگرش مثبت نسبت به امری موجبات گرایش رفتاری نسبت به آن را پدید می‌آورد. بر این اساس پیوستار نظرات دانشجویان در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری بستری برای دافعه و جاذبه ذهنی دانشجویان نسبت به اجرای طرح تفکیک جنسی و حضور در کلاس‌های تک‌جنسی را فراهم می‌کند.

تعریف عملیاتی: مجموع نظرات دانشجویان پیرامون ابعاد آموزشی، اخلاقی، اجتماعی و روانی منبعت از اجرای طرح تفکیک جنسی برای سنجش نگرش دانشجویان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برای سنجش نگرش دانشجویان نسبت به اجرای طرح تفکیک جنسی در دانشگاه در مورد وجوه مثبت و منفی احتمالی اجرای طرح از آن‌ها پرسش می‌شود و نظر آن‌ها نسبت به آثار اجرای این طرح در زمینه‌های اخلاقی، تحصیلی، رشد اجتماعی، اسلامی شدن دانشگاه، فضای علمی و نشاط آموزشی، نظم و انضباط علمی، امنیت روانی، رعایت امور شرعی، روابط سالم دانشجویی، ازدواج‌های دانشجویی، عدالت آموزشی و ... پرسیده می‌شود. گویه‌های مرتبط با این متغیر که در قالب پرسش‌های زیر در طیف لیکرت مورد پرسش قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از:

به نظر شما تا چه اندازه تفکیک جنسی در کلاس‌ها موجب شده است تا:

- مشکلات اخلاقی دانشجویان کاهش یابد؟
- وضعیت تحصیلی دانشجویان بهبود یابد؟
- به رشد اجتماعی دانشجویان لطمه وارد شود؟
- فضای عمومی دانشگاه اسلامی تر شود؟
- رقابت علمی بین هم‌کلاسی‌ها کم شود؟
- مشارکت دانشجویان در مباحث کلاس بیشتر شود؟
- نظم و انضباط در کلاس حاکم شود؟
- هم‌کلاسی‌ها در برخورد با هم رعایت امور شرعی را بنمایند؟

- امنیت روانی دانشجویان در کلاس درس بیشتر شود؟
- کلاس‌های درس شاداب‌تر شود؟
- دانشجویان بیشتر به درس فکر کنند تا به مسائل حاشیه‌ای؟
- دانشجویان نتوانند روابط سالم با غیر هم‌جنس‌ها را بیاموزند؟
- ازدواج‌های دانشجویی کمتر شود؟
- عدالت آموزشی مخدوش شود؟

نظر نسبت به ضرورت توقف طرح

تعریف مفهومی: اگرچه نگرش افراد نسبت به تفکیک جنسی پیش‌تر مورد پرسش قرار می‌گیرد، اما در این بخش مواضع صریح دانشجویان نسبت به اجرای طرح پرسیده می‌شود؛ نظرات جمعیت هدف طرح تفکیک جنسی در مورد اولویت و فوریتی که برای اجرا یا توقف طرح در نظر می‌گیرند.

تعریف عملیاتی: این متغیر با معرف‌هایی از جمله ضرورت اجرا یا توقف اجرای طرح از جانب ریاست دانشگاه، نظر نسبت به فضای حاکم بر کلاس‌های درس در شرایط تفکیک جنسی، نظر فرد نسبت به تداوم اجرای این طرح در دانشگاه، نظر فرد نسبت به اجرای ناقص و کامل این طرح در دانشگاه و نسبت این طرح با اسلامی کردن و میزان فایده‌ای که طرح دارد در قالب گویه‌های زیر سنجش شده است.

اگر به جای رئیس دانشگاه بودم سریعاً اجرای تفکیک جنسی را متوقف می‌کردم.

کلاس‌های تفکیک‌شده فضای راحت‌تر و کم‌استرس‌تری دارند.

اجرای طرح تفکیک جنسی کلاس‌ها برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها یک ضرورت است.

آرزو می‌کنم طرح تفکیک جنسی کامل‌تر ادامه یابد.

تفکیک جنسی کلاس‌ها بدون تفکیک جنسی دانشگاه‌ها فایده‌ای ندارد.

تفکیک جنسی چه در کلاس‌ها و چه در کل دانشگاه بی‌فایده است.

روایی و پایایی

روایی یا اعتبار عبارت است از میزان انطباق پذیری تعریف مفهومی متغیر و تعریف عملیاتی آن (قاضی طباطبائی ۱۳۸۲: ۱۳)؛ به عبارت دیگر سؤال اساسی در روایی این است که آیا معرف‌ها همین مفهومی را می‌سنجد که مورد نظر است. در پژوهش حاضر از روایی صوری و محتوایی بهره گرفتیم.

پایایی یا اعتماد به این امر اشاره می‌کند که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه حد نتایج یکسانی به دست می‌دهد (سرمد و دیگران ۱۳۸۶). چهار روش برای برآورد پایایی وسیله اندازه‌گیری وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱- روش آزمون-آزمون مجدد ۲- تکنیک هم‌ارزی ۳- فن تقسیم به دو نیمه‌ای ۴- روش آلفای کرونباخ (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۰۹). در پژوهش حاضر از آلفای کرونباخ بهره گرفتیم. نتایج نشان داد که آلفای همه مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۷۵ است و از این حیث ابزارهای اندازه‌گیری دارای پایایی مناسبی بودند.

یافته‌های پژوهش

گزارش حاضر شامل سه بخش است. در بخش اول به معرفی سیمای پاسخگویان پرداخته خواهد شد. در بخش دوم به مقایسه نگرش‌های دانشجویان پیرامون طرح تفکیک جنسیتی و سایر متغیرهای پژوهش در دانشگاه‌های سه‌گانه می‌پردازیم. در بخش سوم به مقایسه پاسخ دانشجویان به گویه‌های مرتبط با طرح تفکیک جنسی خواهیم پرداخت.

سیمای پاسخگویان

در این بخش به صورت اجمالی با وضعیت جمعیت شناختی پاسخگویان از سه دانشگاه آشنا می‌شویم.

جمعیت دانشجویان پاسخگو در دانشگاه علامه طباطبائی ۴۷۲ نفر، در دانشگاه تهران ۴۵۱ نفر و در دانشگاه تک جنسیتی بانوان ۴۸۵ نفر هستند. شایان توجه است که نمونه مناسب برای هر دانشگاه حدود ۴۵۰ نفر برآورد شده بود اما برای تکمیل کار و احتمال

بطلان بعضی پرسشنامه‌ها، به تکمیل ۵۰۰ پرسشنامه اقدام شد و تعداد اعلام‌شده تکمیل گردید.

در دانشگاه علامه طباطبائی ۵۴/۵ درصد دانشجویان نمونه زن و ۴۵/۵ درصد دانشجویان پاسخگو مرد هستند. ۶۳/۵ درصد دانشجویان پاسخگو در دانشگاه تهران زن و بقیه مرد هستند. ۱۰۰ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب، طبعاً زن هستند.

حدود ۸۵ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی مجرد (ازدواج نکرده)، ۱۳/۴ درصد متأهل و ۱/۴ درصد دانشجویان در وضعیت طلاق یا همسر فوت شده هستند. در مجموع ۸۶/۶ درصد دانشجویان مجرد هستند. نسبت مجردها در دانشگاه تهران و دانشگاه ت.ج.ب. حدود ۸۹ درصد است.

بیش از ۷۰ درصد دانشجویان پاسخگو در دانشگاه علامه طباطبائی و حدود ۷۴ درصد در دانشگاه تهران و حدود ۸۴ درصد در دانشگاه ت.ج.ب. در مقطع کارشناسی تحصیل می‌کنند. نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه علامه ۲۹/۲ درصد در دانشگاه تهران ۲۵/۲ درصد و در دانشگاه ت.ج.ب. ۲۲ درصد است.

نگرش به طرح تفکیک جنسی

مقایسه میانگین نمره دانشجویان در نگرش به طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که بین نگرش دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. با دو دانشگاه تهران و علامه طباطبائی تفاوت معناداری وجود دارد اما بین دانشگاه تهران و علامه طباطبائی تفاوتی وجود ندارد. بدین معنا که دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. نگرش مثبت‌تری به این طرح دارند تا دو دانشگاه دیگر. این امر بیشتر ناشی از آن است که دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. عمدتاً بر اساس آگاهی و اراده قبلی این دانشگاه را انتخاب کرده‌اند.

جدول ۱- میانگین نگرش دانشجویان به تفکیک جنسی برحسب دانشگاه

ت.ج.ب	تهران	علامه طباطبائی	
۴۳/۴۳	۳۴/۰۶	۳۳/۴۹	میانگین
۷/۹۶	۹/۴۵	۱۲/۵۱	انحراف استاندارد

آثار و پیامدهای تفکیک جنسی در دانشگاه علامه ... ۲۳۱

میانگین نگرش دانشجویان در دانشگاه ت.ج.ب. ۴۳/۵، علامه طباطبائی ۳۳/۵ و تهران ۳۴ (از ۷۰) است. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه در ادامه آورده شده‌اند.

جدول ۲- تحلیل واریانس یک‌راهه نگرش دانشجویان به تفکیک جنسی برحسب دانشگاه

احتمال خطا	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۰	۱۱۱/۲۹۰	۱۳۳۰۷/۳۰۰	۲	۲۶۶۱۴/۵۹۹	بین گروه‌ها
		۱۱۹/۵۷۳	۱۲۴۷	۱۴۹۱۰۷/۴۳۰	درون گروه‌ها
			۱۲۴۹	۱۷۵۷۲۲/۰۲۹	جمع کل

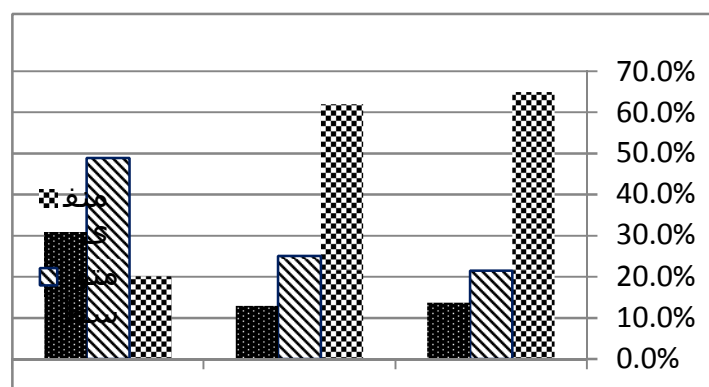
همان‌طور که تحلیل واریانس نشان می‌دهد تفاوت بین گروه‌ها با درجه آزادی ۲ معنادار است بدین معنا که نمره نگرش به طرح تفکیک جنسی در دانشگاه‌ها باهم تفاوت دارد. به عبارت دیگر فرض صفر مبنی بر تساوی میانگین‌ها تأیید نمی‌شود. نتایج آزمون توکی در ادامه آورده شده‌اند. به این ترتیب دانشجویان دانشگاه تک جنسیتی بانوان نگرش مثبت‌تری به تفکیک جنسی دارند تا دانشجویان دو دانشگاه دیگر.

جدول ۳- میانگین نگرش دانشجویان به تفکیک جنسی برحسب دانشگاه

نگرش به تفکیک جنسی			
ت.ج.ب.	تهران	علامه طباطبائی	
۲۰/۱	۶۲/۰	۶۴/۹	منفی
۴۸/۹	۲۵/۱	۲۱/۵	متوسط
۳۰/۹	۱۲/۹	۱۳/۷	مثبت
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

همان‌گونه که در جدول ۳ و نمودار ۱ مشاهده می‌شود حدوداً ۶۵ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۶۲ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۲۰ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. نسبت به تفکیک جنسی در دانشگاه نگرش منفی دارند. این در حالی است که حدود ۲۲ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۵ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۴۹ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. نگرش میانه‌ای به تفکیک جنسی دارند.

همچنین حدود ۱۴ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۳۱ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. به تفکیک جنسی نگرش مثبتی دارند. نگرش میانه یا متوسط در میان دانشجویان تک جنسیتی بانوان به نحو معناداری (۴۸ درصد) بیش از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی (۲۱/۵ درصد) و دانشگاه تهران (۲۵ درصد) است.



نمودار ۱- میانگین نگرش دانشجویان به تفکیک جنسی بر حسب دانشگاه

ضرورت اجرای طرح

جدول ۴- نسبت نظرات دانشجویان به ضرورت (تداوم، اجرا، توقف) تفکیک جنسی بر حسب دانشگاه (به درصد)

	علامه طباطبائی		
	توقف	تهران اجرا	
مخالف	۱۲/۶	۵۹/۱	ت.ج.ب. توقف
میانه	۲۹/۹	۲۶/۶	۲۳/۵
موافق	۵۷/۴	۱۴/۳	۴۶/۵
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

در مورد ضرورت توقف طرح تفکیک جنسی در دانشگاه علامه طباطبائی بیش از ۵۷ درصد دانشجویان نظر موافق، ۳۰ درصد نظر میانه و ۱۲/۶ درصد نظر مخالف ابراز نمودند. همچنین در مورد اجرای این طرح در دانشگاه تهران، حدوداً ۵۹ درصد نظر مخالف، ۲۶/۶ درصد نظر میانه و ۱۴/۳ درصد نظر موافق ابراز کردند. در مورد توقف تک جنسیتی بودن دانشگاه در دانشگاه ت.ج.ب.، ۴۶/۵ درصد نظر موافق، ۳۰ درصد نظر میانه و ۲۳/۵ درصد نظر مخالف ابراز نمودند.

گویه‌های نگرش نسبت به تفکیک جنسی

در این بخش میزان موافقت دانشجویان با بعضی از عبارتهای ارائه شده در بخش نگرش نسبت به تفکیک جنسی برحسب سه دانشگاه نمونه ارائه می‌شود. ۱۴ عبارت در مورد تفکیک جنسی مطرح شده است که دانشجویان میزان موافقت خود را در ۵ سطح خیلی زیاد، زیاد تا حدودی، کم و هیچ اعلام کرده‌اند. گزارش تفصیلی در جداول ارائه شده است. در توضیح جداول بعضاً خیلی زیاد و زیاد با هم و کم و هیچ با هم جمع شده و مورد تشریح قرار گرفته‌اند. بعضی از یافته‌های این بخش عبارت‌اند از:

جدول ۵- نگرش دانشجویان نسبت به تفکیک جنسی برحسب دانشگاه (گویه شماره ۱) (به درصد)

مشکلات اخلاقی در بین دانشجویان کاهش یابد			
ت.ج.ب.	تهران	علامه طباطبائی	
۱۲/۶	۴/۷	۱۰/۲	خیلی زیاد
۱۴/۷	۸/۹	۸/۷	زیاد
۲۲/۹	۲۰/۴	۱۳/۰	متوسط
۲۱/۹	۲۰/۰	۲۰/۹	کم
۲۷/۹	۴۶/۰	۴۷/۰	هیچ
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

از دانشجویان سؤال شد که تفکیک جنسی در کلاس‌ها تا چه حد موجب کاهش مشکلات اخلاقی دانشجویان می‌شود. از نظر ۶۶ درصد دانشجویان دانشگاه تهران، ۴۹/۸

درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. و ۶۸ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، تفکیک جنسی کلاس‌ها تأثیر اندکی در کاهش مشکلات اخلاقی دارد. ۲۰/۴ درصد دانشجویان دانشگاه تهران، ۲۲/۹ درصد دانشجویان ت.ج.ب. و ۱۳ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی بر این باورند که تفکیک جنسی کلاس‌ها تأثیر متوسطی در کاهش مشکلات اخلاقی دارد. از نظر ۱۳/۶ درصد دانشجویان دانشگاه تهران، ۲۷/۳ درصد دانشجویان ت.ج.ب. و ۱۸/۹ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، تفکیک جنسی کلاس‌ها تأثیر زیادی در کاهش مشکلات اخلاقی دارد.

جدول ۶- نگرش دانشجویان نسبت به تفکیک جنسی بر حسب دانشگاه (گویه شماره ۲) (به درصد)

وضعیت تحصیلی دانشجویان بهبود یابد			
	تهران	علامه طباطبائی	ت.ج.ب.
خیلی زیاد	۵/۱	۸/۱	۹/۱
زیاد	۱۱/۸	۹/۸	۱۴/۵
متوسط	۱۵/۶	۱۳/۶	۲۳/۴
کم	۱۸/۹	۲۴/۱	۲۵/۱
هیچ	۴۸/۶	۴۴/۳	۲۸/۰
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

در مورد تأثیر تفکیک جنسی بر وضعیت تحصیلی از دانشجویان سؤال شد. از نظر ۱۷ درصد دانشجویان دانشگاه تهران، ۲۳/۶ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. و ۱۸ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، تفکیک جنسی کلاس‌ها تأثیر زیاد و خیلی زیاد در بهبود وضعیت تحصیلی دانشجویان دارد. ۱۵/۶ درصد دانشجویان دانشگاه تهران، ۲۳/۴ درصد دانشجویان ت.ج.ب. و ۱۳/۶ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی معتقدند تفکیک جنسی کلاس‌ها تأثیر متوسطی در بهبود وضعیت تحصیلی دانشجویان دارد. از نظر ۶۷/۵ درصد دانشجویان دانشگاه تهران، ۵۳ درصد دانشجویان ت.ج.ب. و ۶۸/۴ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، تفکیک جنسی کلاس‌ها تأثیر کم در بهبود وضعیت تحصیلی دانشجویان دارد یا هیچ تأثیری ندارد.

جدول ۷- نگرش دانشجویان نسبت به تفکیک جنسی بر حسب دانشگاه (گویه شماره ۴) (به درصد)

فضای عمومی دانشگاه اسلامی تر شود			
ت.ج.ب.	تهران	علامه طباطبائی	
۱۴/۴	۶/۷	۷/۱	خیلی زیاد
۱۵/۴	۱۲/۱	۵/۲	زیاد
۲۳/۰	۱۶/۷	۱۴/۰	متوسط
۲۱/۹	۱۹/۲	۲۲/۸	کم
۲۵/۳	۴۵/۳	۵۱/۰	هیچ
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

در مورد تأثیر تفکیک جنسی در کلاس‌ها بر اسلامی تر شدن فضای عمومی دانشگاه از دانشجویان سؤال شد. از نظر ۱۲/۳ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۹ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۳۰ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. در سطح زیاد و خیلی زیاد تفکیک جنسی موجب اسلامی تر شدن فضای عمومی دانشگاه شده است. ۱۴ درصد دانشجویان علامه طباطبائی، ۱۶/۷ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۲۳ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. آن را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که ۷۴ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۶۴/۵ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۴۷/۲ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. آن را در سطح کم و یا هیچ ارزیابی کردند.

جدول ۸- نگرش دانشجویان نسبت به آثار و پیامدهای تفکیک جنسی بر حسب دانشگاه (گویه ۸) (به درصد)

همکلاسی‌ها در برخورد با هم رعایت امور شرعی را بنمایند			
ت.ج.ب.	تهران	علامه طباطبائی	
۱۰/۲	۳/۸	۸/۴	خیلی زیاد
۱۵/۷	۱۳/۱	۱۰/۹	زیاد
۲۶/۶	۱۸/۹	۱۷/۰	متوسط
۲۵/۳	۱۹/۴	۲۳/۶	کم
۲۲/۱	۴۴/۸	۴۰/۱	هیچ
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

در مورد این عبارت که تفکیک جنسی موجب می‌شود تا همکلاسی‌ها در برخورد با هم رعایت امور شرعی را بنمایند حدود ۱۹ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۷ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۲۶ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. در سطح زیاد و خیلی زیاد با آن موافقت کرده‌اند. ۶۴ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی و دانشجویان دانشگاه تهران و ۴۷ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. نیز میزان تأثیر را در سطح کم یا هیچ ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۹- نظرات دانشجویان در مورد آثار و پیامدهای تفکیک جنسی برحسب دانشگاه (گویه ۹)
(به درصد)

امنیت روانی دانشجویان در کلاس بیشتر شود			
ت.ج.ب.	تهران	علامه طباطبائی	
۱۶/۵	۵/۸	۱۲/۵	خیلی زیاد
۲۲/۳	۱۲/۳	۱۰/۸	زیاد
۲۱/۳	۱۷/۶	۱۷/۰	متوسط
۲۱/۳	۲۰/۸	۲۲/۸	کم
۱۸/۸	۴۳/۵	۳۷/۰	هیچ
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

در پاسخ به این سؤال که با تفکیک جنسی کلاس‌ها تا چه اندازه موجب افزایش امنیت روانی دانشجویان در کلاس می‌شود، حدود ۲۳ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۸ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۳۹ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. ابراز کردند که تفکیک جنسی کلاس‌ها تا حد زیاد و خیلی زیاد موجب افزایش امنیت روانی دانشجویان می‌شود. همچنین ۶۰ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۶۴ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۴۰ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. آن را در سطح کم یا هیچ ارزیابی کردند.

جدول ۱۰- نظرات دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی در مورد آثار و پیامدهای تفکیک جنسی (گویه ۱۱) (به درصد)

دانشجویان بیشتر به درس فکر کنند تا مسائل حاشیه‌ای			
ت.ج.ب.	تهران	علامه طباطبائی	
۱۳/۹	۷/۸	۱۰/۴	خیلی زیاد
۱۸/۶	۱۴/۴	۱۰/۸	زیاد
۲۵/۳	۱۸/۷	۱۵/۸	متوسط
۲۳/۴	۱۹/۸	۲۵/۵	کم
۱۸/۸	۳۹/۳	۳۷/۶	هیچ
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

در پاسخ به این سؤال که تفکیک جنسی در کلاس‌ها تا چه اندازه موجب می‌شود که دانشجویان بیشتر به درس فکر کنند تا مسائل حاشیه‌ای، حدود ۲۱ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۲ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۳۲ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. ابراز کردند که با تفکیک جنسی کلاس‌ها موجب می‌شود که دانشجویان تا حد زیاد و خیلی زیاد به درس فکر کنند تا مسائل حاشیه‌ای. همچنین ۶۳ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۵۹ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۴۲ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. آن را در سطح کم یا هیچ ارزیابی کردند.

جدول ۱۱- نظرات دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی در مورد آثار و پیامدهای تفکیک جنسی (گویه ۱۲) (به درصد)

عدالت آموزشی مخدوش شود			
ت.ج.ب.	تهران	علامه طباطبائی	
۳۶/۸	۳۰/۲	۳۱/۵	خیلی زیاد
۲۰/۲	۲۰/۱	۲۴/۵	زیاد
۱۸/۳	۱۸/۵	۱۶/۹	متوسط
۱۴/۳	۱۱/۵	۱۲/۴	کم
۱۰/۵	۱۹/۶	۱۴/۸	هیچ
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

در پاسخ به این سؤال که تفکیک جنسی در کلاس‌ها تا چه اندازه موجب می‌شود عدالت آموزشی مخدوش شود، ۵۶ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۵۰ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۵۷ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. ابراز کردند تفکیک جنسی کلاس‌ها تا حد زیاد و خیلی زیاد موجب مخدوش شدن عدالت آموزشی می‌شود. همچنین ۲۷ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۳۱ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۲۵ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. آن را در سطح کم یا هیچ ارزیابی کردند.

جدول ۱۲- نظرات دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی در مورد آثار و پیامدهای تفکیک جنسی (گویه ۱۳) (به درصد)

دانشجویان نتوانند روابط سالم با غیر هم‌جنس را بیاموزند			
	تهران	علامه طباطبائی	
خیلی زیاد	۲۱/۷	۲۴/۰	۳۴/۰
زیاد	۲۵/۱	۲۲/۹	۲۸/۱
متوسط	۲۴/۹	۲۵/۹	۲۱/۷
کم	۱۲/۸	۱۳/۲	۸/۳
هیچ	۱۵/۵	۱۴/۰	۷/۹
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

همان‌گونه که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود حدود ۴۷ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، و دانشگاه تهران و ۶۲ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. ابراز کردند که تفکیک جنسی کلاس‌ها موجب می‌شود که دانشجویان تا حد زیاد و خیلی زیاد نتوانند روابط سالم با غیر هم‌جنس را بیاموزند. ۲۷ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۸ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۱۶ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. آن را در سطح کم یا هیچ ارزیابی کردند.

جدول ۱۳- نظرات دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی در مورد آثار و پیامدهای تفکیک جنسی (گویه ۱۴) (به درصد)

ازدواج‌های دانشجویی کمتر شود			
ت.ج.ب.	تهران	علامه طباطبائی	
۱۶/۶	۲۴/۲	۲۹/۲	خیلی زیاد
۱۵/۵	۱۶/۵	۲۱/۷	زیاد
۲۶/۳	۲۳/۳	۲۱/۲	متوسط
۱۹/۵	۱۳/۱	۱۰/۵	کم
۲۲/۱	۲۲/۹	۱۷/۴	هیچ
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

در مورد این عبارت که تفکیک جنسی در کلاس‌ها موجب کمتر شدن ازدواج دانشجویی می‌شود، حدود ۵۱ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۴۱ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۳۲ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. ابراز کردند که تفکیک جنسی کلاس‌ها تا حد زیاد و خیلی زیاد موجب کمتر شدن ازدواج دانشجویی می‌شود. همچنین حدود ۲۸ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۳۶ درصد دانشجویان دانشگاه تهران و ۴۲ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. آن را در سطح کم یا هیچ ارزیابی کردند.

نظرات صریح دانشجویان در مورد تفکیک جنسی

در این بخش به ارائه نظرات صریح دانشجویان در مورد تفکیک جنسی می‌پردازیم. نظرات دانشجویان در این بخش تفاوت اندکی دارد. دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی نظرات خود را در مورد توقف یا تداوم طرح تفکیک جنسی ناقص (فقط در کلاس‌ها) می‌دهند؛ دانشجویان دانشگاه تهران نظر خود را در مورد اجرای این طرح در دانشگاهشان را می‌دهند و دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. نظرشان را در مورد مختلط شدن دانشگاهشان می‌دهند. دانشجویان نظرات خود را در قالب یک طیف پنج قسمتی از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف ارائه کرده‌اند. در توضیح جداول تلاش شده است نظرات موافق و کاملاً موافق با هم و نظرات مخالف و کاملاً مخالف با هم جمع شوند.

جدول ۱۴- نظر دانشجویان در مورد اجرا یا توقف تفکیک جنسی برحسب دانشگاه (گزاره ۱)
(به درصد)

مختلط کردن دانشگاه	اجرا تفکیک	توقف تفکیک	
ت.ج.ب.	تهران	علامه طباطبائی	
۱۱/۷	۶۳/۴	۸/۵	کاملاً مخالف
۱۲/۳	۱۴/۴	۷/۲	مخالف
۲۱/۵	۱۲/۰	۱۱/۹	بی نظر
۲۲/۵	۵/۵	۲۱/۳	موافق
۳۲/۱	۴/۷	۵۱/۰	کاملاً موافق
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

در مورد گزاره «اگر جای رئیس دانشگاه بودم» به سه شکل در سه دانشگاه مورد ارزیابی دانشجویان قرار گرفت. حدود ۷۸ درصد دانشجویان دانشگاه تهران با این گزاره که سریعاً طرح تفکیک جنسی را در این دانشگاه اجرا می‌کردم مخالف و کاملاً مخالف بودند. ۱۲ درصد بی نظر و حدود ۱۰ درصد موافق و کاملاً موافق اجرای طرح تفکیک جنسی هستند. حدود ۵۵ درصد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. با این گزاره که سریعاً این دانشگاه را مختلط می‌کردم موافق و کاملاً بودند. ۲۱/۵ درصد بی نظر و ۲۴ درصد مخالف و مخالف و کاملاً مخالف مختلط کردن دانشگاه هستند. حدود ۷۲ درصد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، با این گزاره که سریعاً اجرای تفکیک جنسی را متوقف می‌کردم موافق و کاملاً بودند. ۱۲ درصد بی نظر و ۱۵/۸ درصد مخالف و کاملاً مخالف طرح تفکیک جنسی در کلاس‌ها هستند.

جدول ۱۵- نظرات صریح دانشجویان در مورد اجرا یا توقف تفکیک جنسی برحسب دانشگاه (گزاره ۴)
(به درصد)

آرزو می‌کنم طرح تفکیک جنسی به هیچ وجه در این دانشگاه اجرا نشود			
ت.ج.ب.	تهران	علامه طباطبائی	
۱۵/۸	۸/۲	۸/۸	کاملاً مخالف
۹/۸	۷/۳	۵/۶	مخالف
۲۲/۱	۱۹/۳	۱۴/۳	بی نظر
۱۸/۵	۱۶/۲	۲۰/۶	موافق
۳۳/۸	۴۹/۰	۵۰/۵	کاملاً موافق
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

در مورد این گزاره که آرزو می‌کنم طرح تفکیک جنسی به هیچ‌وجه در این دانشگاه اجرا نشود، حدوداً ۱۴ درصد از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۵ درصد از دانشجویان دانشگاه تهران و ۲۵/۶ درصد از دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. با این گزاره مخالف و کاملاً مخالف بودند. البته این گزاره در مورد دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. به صورت اعلام با تداوم تک جنسیتی بودن دانشگاه بود که پاسخ‌ها به صورت معکوس آورده شد. در این میان حدوداً ۷۱ درصد از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ۶۵ درصد از دانشجویان دانشگاه تهران و ۵۲ درصد از دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. با این گزاره موافق و کاملاً موافق بودند.

یافته‌های تحلیلی در دانشگاه علامه طباطبائی

در مورد ضرورت توقف طرح تفکیک جنسی در دانشگاه علامه طباطبائی ۵۵ درصد بانوان و ۶۱ درصد آقایان نظر مثبت ابراز نموده‌اند.

در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی حدوداً ۶۸ درصد دانشجویان مجرد و ۵۰ درصد دانشجویان متأهل نسبت به طرح تفکیک جنسی نگرش منفی ابراز نموده‌اند. وضعیت تأهل با نگرش نسبت به تفکیک جنسی رابطه معنادار دارد. به این ترتیب که افراد متأهل نگرش مثبت‌تری نسبت به طرح تفکیک جنسی دارند.

۶۰ درصد دانشجویان مجرد و ۴۵/۵ درصد دانشجویان متأهل نسبت به توقف طرح تفکیک جنسی در دانشگاه علامه طباطبائی نظر مثبت اعلام کرده‌اند.

در دانشگاه علامه طباطبائی، بین وضعیت تأهل و نظر دانشجویان در مورد توقف طرح تفکیک رابطه معکوس وجود دارد؛ به این ترتیب که دانشجویان متأهل نگرش منفی‌تری نسبت به توقف طرح تفکیک دارند.

در دانشگاه علامه طباطبائی، بالاترین نگرش منفی نسبت به طرح تفکیک جنسی در میان دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی (۷۷/۲) مشاهده شد و کمترین نگرش منفی در میان دانشجویان دانشکده الهیات و معارف اسلامی (۸/۳ درصد). همچنین ۷۵ درصد دانشجویان دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، ۶۸ درصد دانشجویان دانشکده مدیریت، ۶۶ درصد دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی، ۶۱ درصد دانشجویان دانشکده

روانشناسی و علوم تربیتی و ۶۰ درصد دانشجویان دانشکده اقتصاد نسبت به این طرح نگرش منفی ابراز کرده‌اند.

بالاترین نگرش مثبت نسبت به طرح تفکیک جنسی به ترتیب در دانشکده الهیات (۵۰ درصد)، در دانشکده اقتصاد (۲۲/۶ درصد) و دانشکده روانشناسی (۱۷/۶ درصد) مشاهده شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌ها بر آن است که تفاوت معناداری بین نگرش دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی و دانشگاه تهران وجود ندارد. هرچند نگرش دانشجویان دانشگاه تهران قدری مثبت‌تر از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی است که آن‌هم ناشی از تجربه دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی و عدم تجربه دانشجویان تهران است اما این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست. تفاوت معنادار بیشتر در میان دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. و دو دانشگاه دیگر است. این تفاوت یعنی مثبت‌تر بودن معنادار نگرش دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. نسبت به تفکیک جنسی بیشتر ناشی از آن است که این دسته از دانشجویان با اطلاع قبلی و تمایل خود و خانواده‌های خود در این نوع دانشگاه پذیرش شده‌اند. عامل دیگر نیز به جنسیت مربوط می‌شود. به نظر می‌رسد دختران در مقایسه با پسران نگرش مثبت‌تری به تفکیک جنسی داشته باشند. این تمایل هم به سبب احساس امنیتی بیشتری است که می‌کنند و هم به سبب اعتماد به نفس کمتر در مقایسه با پسران در کلاس‌های مختلط است. عامل دیگر به جنبه محافظه‌کاری بیشتر دختران در مقایسه با پسران معطوف است.

جزئیات داده‌های نگرشی نشان می‌دهد که در دسته نگرش منفی همان تفاوت اندک میان دانشجویان با نگرش منفی در دو دانشگاه تهران (۴۸/۲) و دانشگاه علامه طباطبائی (۵۲/۸) وجود دارد و تفاوت فاحشی با دانشجویان دارای نگرش منفی نسبت به طرح تفکیک جنسی در دانشگاه ت.ج.ب. (۹/۱) دارد. در عین حال توجه به این نکته هم جالب است که در میان دانشجویان دانشگاه ت.ج.ب. تجمع بسیار زیادی در نگرش میانه و خنثی وجود دارد. در حالی که نسبت دانشجویان دارای نگرش خنثی یا میانه در دانشگاه تهران

۴۲/۱ درصد و در دانشگاه علامه طباطبائی ۳۶/۱ درصد است در دانشگاه ت.ج.ب. حدود ۷۲ درصد است. این نسبت نشان‌دهنده آن است که اعلام نگرش در این دانشگاه از وضعیت محافظه‌کارانه‌تری در مقایسه با دو دانشگاه دیگر برخوردار است و بخشی از قوت نگرشی نسبت به تفکیک جنسی در میان این گروه از دانشجویان به سبب تجمع در نگرش میانه شکل گرفته است. این در حالی است که در پاسخ به اعلام نظر صریح، تنها ۲۵/۶ درصد دانشجویان با تداوم وضعیت تک‌جنسیتی فعلی موافقت خود را اعلام کرده‌اند و حدود ۴۱ درصد خواستار توقف سریع وضعیت تک‌جنسیتی دانشگاه شده‌اند.

در مورد عناصر نگرش به آثار و پیامدهای تفکیک جنسی در دانشگاه‌ها می‌توان تفاوت قابل‌توجهی در میان هر یک از عناصر مشاهده کرد. در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، میزان مخالفت با تأثیر تفکیک جنسی بر اسلامی تر شدن فضای دانشگاه بیش از سایر آثار است. بعد از آن نوبت مخالفت با تأثیر تفکیک جنسی بر شاداب‌تر شدن کلاس‌هاست. همچنین مخالفت با تأثیر تفکیک جنسی بر کاهش مشکلات اخلاقی دانشجویان و بیشتر رعایت کردن امور شرعی توسط دانشجویان در مراتب بعد قرار دارد. در این میان این که تفکیک جنسی موجب شده است تا دانشجویان نتوانند روابط سالم را با جنس مخالف بیاموزند در پائین‌ترین سطح موافقت قرار گرفته است.

یکی از مباحث نظری در این باب نظریات عدالت آموزشی است که تفکیک جنسی به آن ناظر است. در واقع از نظر برخی صاحب‌نظران، تفکیک جنسی مستلزم نسبت برابر دختران و پسران در فرایند گزینش دانشجویان است و این نوع تساوی بیشتر حق دختران را تضییع می‌کند. در شرایطی که گزینش دانشجویان سهمیه‌ای نباشد نسبت دختران به پسران در دانشگاه‌های علوم انسانی بیش از ۶۵ درصد است و چنانچه سهمیه مساوی برای هر دو جنس در نظر گرفته شود بیش از ۱۵ درصد از دانشجویان درحالی‌که از دانشجویان پسر شرایط بهتری از نظر آموزشی دارند - امکان راه‌یابی به دانشگاه را از دست می‌دهند. این نوع رویکرد به عدالت آموزشی شرایط پیشین دانش‌آموزان را در ورود به دانشگاه در نظر نمی‌گیرد. بعد از انقلاب اسلامی گزینش دانشجویان از طریق منطقه بندی کشور به سه منطقه صورت گرفته است. در این نوع گزینش سهمیه‌ای، دانش‌آموزانی از مناطق دو و سه به دانشگاه راه می‌یابند که از نظر آموزشی از دانش‌آموزان منطقه یک که به دانشگاه راه پیدا

نکرده‌اند شرایط ضعیف‌تری دارند. این سیاست به منظور برقرار عدالت آموزشی صورت گرفته است؛ بنابراین تعریف ما از عدالت بر آنچه عادلانه می‌خوانیم بسیار تأثیرگذار است. حال با توجه به شرایط ضعیف‌تر میانگین دبیرستان‌های پسرانه در مقایسه با دبیرستان‌های دخترانه به سبب نارضایتی شغلی بیشتر دبیران مرد، شاید عادلانه این باشد که برای پسران در آزمون ورودی به دانشگاه سهمیه‌ای همانند سهمیه مناطق قائل شویم. درعین حال توجه به لطماتی که این نوع گزینش چه منطقه‌ای و چه جنسی به کیفیت و استانداردهای دانشگاه می‌زند را نباید از نظر دور داشت.

در مجموع می‌توان گفت سیاست تفکیک و یا اختلاط جنسیتی بیش از هر چیز به دیدگاه جامعه به دانشگاه بستگی دارد. در یک دیدگاه سکولار و بدون توجه به نقش انسان‌ساز دانشگاه و صرف‌نظر از مسئولیتی که جامعه متوجه مردان می‌کند و همچنین با توجه به سیاستی که برای رشد جنسیتی و جامعه‌پذیری افراد دو جنس در بستر مناسبات میان آن‌ها، نگاه به تفکیک و یا اختلاط دو جنس در نظام آموزشی به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که قطعاً با رویکرد اسلامی به موضوع متفاوت است. درواقع اگر بخواهیم بر اساس فضای نسبتاً فمینیستی حاکم بر ادبیات نظری متأخر علوم انسانی در باب مناسبات جنسی اظهارنظر کنیم مردسالاری و نظام مردسالار مهم‌ترین مسائل ما هستند و چنانچه فراتر از این فضای ایدئولوژیک صرفاً بر اساس انتظارات جامعه اسلامی و نقش انسان‌ساز دانشگاه به موضوع توجه کنیم، نیازهای واقعی جامعه مدنظر ما قرار خواهند گرفت. هرچند ممکن است از منظر اسلامی تفکیک جنسی در دانشگاه به صلاح و صواب نزدیک‌تر باشد که البته در جای خود با توجه به شرایط فرهنگی کنونی و آینده‌نگری در آن قابل تأمل است و همچنین بعضاً مورد مناقشه است، اما قطعاً در فرایند اسلامی سازی دانشگاه در اولویت قرار ندارد. ضمن این که اجرای آن مستلزم در نظر گرفتن ضرورت مشارکت و پذیرش مخاطبان آن است. ظاهراً تصمیم‌گیران در این زمینه اصلاً توجهی به این که قرار است دانشجویان، اجراکنندگان اصلی این طرح باشند و باید آن را بپذیرند نداشته‌اند. به هر صورت هر نظری که در این مورد داشته باشیم نتایج نشان‌دهنده آن است که اجرای عجولانه و بدون تحقیق و تأمل طرح تفکیک جنسی ناقص در دانشگاه علامه طباطبائی برای مدت‌ها اجرای درست

آثار و پیامدهای تفکیک جنسی در دانشگاه علامه ... ۲۴۵

آن را به تعویق انداخت و چهره نامناسبی از اسلامی شدن دانشگاه را به دانشجویان عرضه کرده است.

منابع

- اسدی، عبدالله. (۱۳۸۵). بررسی روابط دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه‌های شهر اردبیل، **مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل**، ش ۶.
- باستانی، سوسن. (۱۳۷۷). نگرش استادان و دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) نسبت به تک جنسیتی بودن دانشگاه الزهرا. (س)، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد** دانشگاه الزهرا.
- حامدی، رباب؛ زهره خسروی؛ مهرانگیز پیوسته گر؛ زهرا درویش؛ روشنگر خدابخش؛ غلامرضا صرامی. (۱۳۹۱). بررسی تمایز یافتگی خود و کیفیت رابطه با غیر هم‌جنس در دانشجویان مجرد، **مطالعات روان‌شناختی**، شماره ۳۲.
- سرمد، زهره؛ عباس بازرگان؛ الهه حجازی. (۱۳۸۶). **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**، نشر آگه.
- سیدمن، استیون. (۱۳۸۶). **کشاکش آرا در جامعه‌شناسی: نظریه‌های جامعه‌شناسی امروز**، ترجمه: هادی جلیلی، نشر نی.
- فراهانی، فریده؛ شهلا کاظمی‌پور؛ علی رحیمی. (۱۳۹۲). بررسی و تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران، **خانواده پژوهشی** شماره ۳۱.
- قاضی طباطبائی، محمود. (۱۳۸۲). **تکنیک‌های خاص تحقیق (رشته علوم اجتماعی)**، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- عبدلی، ستاره. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی آموزش روابط سالم بر پیشرفت تحصیلی و تغییر نگرش نسبت به روابط دختر و پسر (دانش آموزان دختر دوره راهنمایی شهر اصفهان)، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد** دانشگاه الزهرا.

- Alon S. & D. Gelbgiser. (2011). *The Female Advantage in College Academic Achievements and Horizontal Sex Segregation*, Social Science Research. 2011;40:107-119.
- Bem, S. L. (1993). *The Lenses of Gender: Transforming the Debate on Sexual Inequality*, New Haven, CT: Yale University Press.
- Charles Maria and Karen Bradley. (2002). *Equal but Separate? Across National Study of Sex Segregation in Higher Education*, *American Sociology Review* 67:573-99

- Ecklund, E. H., A. E. Lincoln and C. Tensely. (2012). *Gender Segregation in Elite Academic Science*, **Gender & Society**, 26(5), 693-717
- Featherston, Mike. (1991). *The body in consumer culture in: M. Featherston* (Ed.) Social process and Cultural Theory, Sage, London.
- Foucault, Michel. (1979). *The History of Sexuality*, Allen Lane pub.
- Goffman, Erving. (1976). *Gender Advertisement*, Harper & Row Publishers, NY.
- Hartmann, Heidi I. (1987). "*Changes in Women's Economic and Family Roles in Post-World War II United States*," in Beneria, L. and C. R. Stimpson (ed.) *Women, Households, and the Economy*,: Rutgers University Press, New Brunswick, NJ.
- Jacobs J. A. (1996). *Gender Inequality and Higher Education*, Annual Review of Sociology, 22:153–185
- Jenkins, K. J. (2006). "*Constitutional Lessons for the Next Generation of Public Single-Sex Elementary and Secondary Schools*," William and Mary Law Review 47(6): 1953+.
- Mann, Allison & Thomas A. DiPrete. (2012). *Trends in Gender Segregation in the Choice of Science and Engineering Majors*, Social Sciences Research, Nov; 42(6): 1519–1541
- Sax, L. J. (2007). *Boy Adrift: The Five Factors Driving the Growing Epidemic of Unmotivated Boys and Underachieving Young Men*, Basic Books, New York.
- Wharton, A. S., & J. N. Baron. (1987). *so happy together? The impact of gender segregation on men at work*, American Sociological Review, 52, 574-587.
- Wolf, Naomi. (2013). *The Beauty Myth: How Images of Beauty Are Used Against Women*, Random House.